



تئیه‌های امروز

ایندیبیندنت از احتمال کودتای خانوادگی علیه ملک سلمان پرده برداشت

بیمار سعودی رفتنی است



میلیون‌ها ایرانی همصدا با مسلمانان جهان در روزهای تاسوعا و عاشورا نوای «لبیک یا حسین» سر دادند

شور عاشورایی

آثار و پیامدهای داخلی و بین‌المللی تظاهرات تاسوعا و عاشورای سال ۵۷

انقلاب محرم

شرکت فرانسوی: متن مذاکرات با ایران خودرو را علنی می‌کنیم

«پژو» ایران را تهدید کرد!

وقتی به جای آمریکا و اروپا دولت برای «لغو همه تحریم‌ها» تضمین می‌دهد

توجیه!

زاکانی: اظهارات دولت بیشتر شبیه آرزوست



نگار: حامدسلگ پور/تسمیر

روزنه

حاشا که عاشورای آن سال را فراموش کنیم

ریختن سیمان روی بی‌آبرویی‌های سال ۸۸!

سجاد بلوکات

برخی از خوانش وقایع تاریخی گریزانند. معمول این بوده است که بشر تاریخ را نه به مثابه یک روش برای ادامه زندگی بلکه به عنوان خاطراتی تلقی می‌کنند که تکرارشان گناه یا تلخی‌هایی همراه است. این هردو هست و نیست یعنی هم «تلخی وقایع» و هم «غیر کاربردی» دیدن وقایع تاریخی انسان را به فاصله گرفتن از آنها می‌خواند. فاصله گرفتنی که گاه آنقدر خطرناک است که زمینه‌های انحطاط جامعه بشری را فراهم می‌کند.

اگرچه در باب «فراموشی» های صدر اسلام تا قیامت حرف برای گفتن هست، لکن در این مجال آن «فراموشی» را که در دوران کنونی مصیبت‌زا و خطرناک است بیشتر باید مدنظر قرار داد.

۶۰ سال پیش در چنین روزهایی بود در ماه محرم سال ۸۸ که لجبازی و عناد و گردن کشی جماعت قلدرمآب فتنه، کار را به جایی رساند که در ادامه هتک حرمت به امام(ره) و انقلاب و «جمهوری اسلامی»، عاشورای ۸۸ با آن تلخی رقم خورد. پاکبوی و شادی اهالی فتنه در روزی که «فرحت به آل زیاد و آل مروان بقتلهم الحسین علیه‌السلام»، چون لکه ننگی بر دامن ایشان ماند. حالا که ۶ سال گذشته است، آنکه اوپاش ضدانقلاب را «فرزندان زهر(س)» و «امت خداجوی» خواندند، هنوز موفق به توبه نشده‌اند، چونان برادران یوسف که هیچگاه حتی امکان توبه نیز برایشان محقق نشد یا قاتلان ابعبداالله(ع) که امکان توبه نیز از آنان سلب شد.

تأویل نومحافظه کارانه از عاشورا

کمیل احمدی

آیت‌الله «رفسنجانی» اواخر هفته پیش در بزرگداشت آیت‌الله شهید «شرفی اصفهانی» تأویلی از حادثه عاشورا ارائه داد که سخنان جدیدی از او به شمار می‌آید. در این سخنرانی نه تنها عاشورا بلکه مهدویت نیز به شیوه‌ای «محافظه کارانه» و مانند آن دسته از گروه‌های مذهبی‌ای که پیش از انقلاب با آن مخالف بودند، تأویل شد. آن علمای سنتی یا به قول آقای رفسنجانی ارتجاعی همین تفسیری را داشتند که امروز هاشمی آن را در جامعه مخاطب خود محک زد. هاشمی در بخشی از سخنان خود آورده بود: «مام حسین(ع) به گونه‌ای عمل کرد که مردم بکوشند به جای راه انداختن سیل خون با سیل اشک به جنگ ظلم و ستم بروند. این هدف امام حسین(ع) تا امروز به طور نسبی تأمین شده است و روزی که صاحب الزمان(عج) ظهور کند هدف ثاراللهی امام حسین(ع) به طور کامل تأمین خواهد شد.»

در واقع ۲ هدف در این سخن نهفته است: اول تعطیلی مبارزه؛ با این تأویل که درس امام حسین(ع) الگوگیری از نهضت عاشورا نبوده است، زیرا تنها راه گریه را برای مبارزه به ما آموختند و دوم اینکه رسالت اصلی مبارزه یا همان «ثاراللهی» تا زمان ظهور امام عصر تعطیل است و بدین ترتیب تنها مسیر گریه برای مبارزه با ظلم برای ما باقی مانده است!

در واقع از مهم‌ترین نشانه‌های نومحافظه کاری ارائه همین تفاسیر خلوت‌گزینانه از ابعاد مختلف اسلامی است؛ هرچند تعارض کاملی با ادعاها و تفاسیر پیشین فرد داشته باشد یا مثلا به تفاسیر طیف دیگری از محافظه‌کاران مذهبی مانند انجمن حجیه نزدیک باشد. تا چندی پیش، از نگاه افرادی مانند هاشمی روحانیان به‌طور کلی به ۲ دسته تقسیم می‌شدند: «روحانیان مبارز و انقلابی» و «روحانیان سنتی و ارتجاعی». روحانیان مبارز آن گروهی بودند که در پی تفسیر انقلابی و سیاسی از اسلام بودند و همه امور مذهبی را پدیده‌های سیاسی و با ابعاد اجتماعی تفسیر می‌کردند. در حالی که مشخصه روحانیان سنتی در ضدیت با مبارزه، آگاه‌سازی عمومی و اهداف سیاسی و حکومت اسلامی بود و به این

نامه‌های مهم، مظلومانه و مقتدرانه

حجت‌الاسلام و المسلمین سید سعید لواسانی*

است. فریبکاری آنان در دوگانگی میان اظهارات اولیه آنان که با نیت قبول مذاکره مستقیم از سوی ایران انجام می‌شد، با نقض عهدهای مکرر آنان در طول مذاکرات ۲ ساله و همراهی آنان با خواسته‌های رژیم صهیونیستی و دیپلماسی زورگویانه آنان در رابطه با دولت‌ها و مؤسسات اروپایی دخیل در مذاکرات، همه نشان‌دهنده آن است که ورود فریبکارانه آمریکا در مذاکرات هسته‌ای، نه با نیت حل و فصل عادلانه که با غرض پیشبرد هدف‌های خصمانه خود درباره جمهوری اسلامی صورت گرفته است.»

مقام معظم رهبری در «نامه مظلومانه مقتدرانه» سرخط و محور جدیدی برای دولت و دستگاه دیپلماسی و قضایی کشور ترسیم کردند و فرمودند تهمت‌ها و افتراها و اقداماتی که مقامات آمریکایی علیه ایران اعمال کردند: «می‌تواند به کيفر خواست مسوسوی علیه وی آرئیس جمهور آمریکا» در دادگاه‌های بین‌المللی منتهی شود.

اگر فقط بند ۲ نامه را با فرمایشات گذشته ایشان بویژه بیانات ایشان در ۵ شهریور امسال (سال ۹۴) با هیأت دولت مقایسه کنیم، ملاحظه می‌کنیم حتی ذراتی از مواضع ولایت عظمای ما تغییر نکرده و تزلزل در آن ایجاد نشده است. اما کو گوش شنوا!

«صاحب‌نظران سیاسی عالم و افکار عمومی بسیاری از ملت‌ها به وضوح تشخیص می‌دهند که عامل این خصومت تمام‌بندشی [آمریکا با نظام جمهوری اسلامی ایران]، ماهیت و هویت جمهوری اسلامی ایران است که برخاسته از انقلاب اسلامی است. این خصومت تمام‌بندشی [آمریکا با نظام جمهوری اسلامی ایران]، ماهیت و هویت جمهوری اسلامی ایران است که برخاسته از انقلاب اسلامی است. این خصومت تمام‌بندشی [آمریکا با نظام جمهوری اسلامی ایران]، ماهیت و هویت جمهوری اسلامی ایران است که برخاسته از انقلاب اسلامی است.»

تنها یک راه دارد و آن استتعاله نظام جمهوری اسلامی است. آمریکا با ما بد است، با ما دشمن است و از دشمنی‌هایش نسبت به ما کاسته نشده و نمی‌شود، منتها به تعبیر رهبری در دیدار با هیأت دولت «شیوه‌هایش تحول پیدا کرده و پیشرفت کرده است» و از دشمنی آشکار به دشمنی پنهان، زیرکانه و مناقطانه تغییر کرده است و اگر ما و دولت ما مراقب نباشند، ما در داخل نقشه طراحی شده در دشمن قرار می‌گیریم؛ نه تنها در سیاست بلکه در اقتصاد، در تجارت، در فرهنگ، (نگاه بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با هیأت دولت مورخ ۱۳۹۴/۶/۵)

بند پایانی نامه نیز هشدار است به همگان؛ گشایش اقتصادی ربطی به رفع تحریم‌ها ندارد بلکه دولت موظف است نگاهش به ظرفیت‌های داخلی کشور باشد.

نگاه امروز



مقام معظم رهبری ملت ایران را ملت مظلوم مقتدر نام نهادند. نمونه تام یک انسان مظلوم مقتدر وجود مطهر حضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام است که معیاری عالی برای همه رهروان حق و حقیقت و اسلام ناب محمدی صلی‌الله علیه‌وآله وسلم و ولایت‌مداری و ولایت‌یابوری است. نامه تاریخی و مهم مقام معظم رهبری را به تبعیت از نامگذاری امام‌المسلمین «نامه‌ای مظلومانه مقتدرانه» باید نام نهاد. اگر بخواهیم این نامه را در یک جمله توضیح بدهیم، باید بگوییم که «نامه مظلومانه مقتدرانه» شرحی است بر جمله معروف ایشان که «من به مذاکره با آمریکا خوشبین نیستم». متأسفانه دولت در دوره جدید با نگاه خوش‌بینانه به آمریکا و مذاکرات با آن انگا: سخنرانی رئیس‌جمهوری ۹۳/۲/۲۹ وارد «مذاکراتی طولانی و ملال‌آور» شد که «یکی از حلقه‌های زنجیره دشمنی‌انداز آمریکا با جمهوری اسلامی و فریبکاری آنان» بود.

بعد دیگری که می‌توان از بطن این نامه برداشت کرد، آن است که با کمال تأسف رهبری الهی ما در دولت و مجلس و دیگر نهادها، نیروی قوی انقلابی که نافذ البصیره و ضَلَبُ الايمان باشند، کم دارند، اگر دولت و تیم مذاکره‌کننده و مجلس و شورای امنیت ملی به وظایف خود عمل کرده بودند، چه جای برای نامه‌ای با ۹ الزام! یعنی رهبری باید یک‌تنه کمبودهای ما را جبران کنند! الله‌اکبر از این مظلومیت رهبر مظلوم مقتدر ما! آقای ما، شهید حسین همدانی می‌خواهند، نه امثال من که اسمش این است که امام جمعه آقا هستم، اما دلم به دیانت!

در تورات تحریف‌نشده بیان شده است: «إِنَّا صَلَّيْتُ الْإِيمَانَ وَهَنَ لَهُ الْكُفْرُ» [بچارالانوار: ۲۸۹/۵۸] [ایمان که در انسان استوار و مستحکم شد، کفر در نزد او سست می‌شود]. اگر ایمان ما مستحکم بود، سست‌ی پرابهام و ضعیف در پیش روی ما نبود. متأسفانه نوعی سهل‌اندیشی و بی‌خیالی نسبت به ایمان اسلامی و روحیه انقلابی در ما وجود دارد که موجب میلی وافر به سمت غرب در برخی مسؤولان و نخبگان ما شده که مبدأ پیدایش «نامه مذکور» شده است. این نامه هم چراغ راه امروز ملت و دولت ماست، اگر به آن پایبند باشیم و باشیم و هم معیاری است برای آیندگان که اگر مراقب نفوذ دشمن نباشند، حتماً دشمن را بالای سر خود خواهند دید و آن‌وقت راهی ندارند